

حقوق بشر جهانی و ارتباط جنسیت\*\*  
فصلی از کتاب "حقوق انسانی زنان"



کری پی پی

**Christine Brautigam**

برگردان توسط: حمید حمیدی

**Hamid Hamidi**

با مقدمه ای از:

الهه امانی (فعال و پژوهشگر حوزه زنان)

پیشکش به تلاشگران برابر حقوقی زنان با مردان

از دیروز تا امروز

حمید حمیدی

تحقق عدالت و برابر حقوقی زنان با مردان با "دیگر پذیری" ممکن است.  
حمید حمیدی

### **توضیحات مترجم و ناشر کتاب:**

این نوشته برگردان مطلبی از خانم کریستین براتیگام (مدیر بخش حقوقی زنان سازمان ملل 3(2 می باشد که در کتاب حقوق بشری زنان (تجربه آفریقا) در سال 2006 منتشر گردیده است. نوشته ایشان تحت عنوان، حقوق بشر بین الملل و ارتباط آن با جنسیت در این کتاب انتشار یافت. (حمید حمیدی)

ر باره کتاب (سخنی از ناشر) 1

این کتاب به بررسی تجربه کشورهای آفریقایی، در تلاش برای پیاده سازی اسناد بین مللی با حقوق زنان می پردازد. این کتاب، حقوق بشر و مسائل جنسیتی، استانداردهای برابری، کارکرد سازمان ملل متحد و سایر نهادهای تخصصی، و نظام حقوق بشر قایسه با دیگر ابزارهای منطقه ای پوشش می دهد. این کتاب به سیستم های قانونی و اداری در کشورهای آفریقایی که از طریق آن استانداردها در سراسر کشور به اجرا سطح بین المللی می پردازد، اشاره دارد. این کتاب به موضوع ختنه زنان، حقوق بشر زنان درگیری های مسلحانه، زنان پناهنده و همچنین زنان و اسلام می پردازد. این کتاب برای مدافعان حقوق بشر، کارگران، معلمان، وکلاء، کارمندان دولت، رهبران جامعه، دانشجویان و دانشگاهیان با هدف، و به دنبال حمایت از توانمند سازی زنان، تهیه شده است.

## مقدمه: الهه امانی حقوق بشر زنان- ابزارهای بین المللی و تجربه کشورهای آفریقایی

با سپاس فراوان از آقای حمید حمیدی برای ترجمه مقدمه کتاب - ابزارهای بین المللی و تجربه کشورهای آفریقایی این کتاب توسط انتشارات (زد بوک) همکاری سرویس جهانی دانشگاهی در سال 2002 336 صفحه منتشر گردید

مقدمه این کتاب یکی از منسجم ترین و پربارترین مقالات و نوشتارهایی است که در زمینه حقوق انسانی زنان راهکارها و ابزارهای بین المللی به رشته تحریر در آمده است. این کتاب که بخش اول آن به کنوانسیون ها عهدنامه های بین المللی و آنچه که

شالوده تعهدات بین المللی دولت ها برای احترام به حقوق انسانی زنان می باشد یافته و بخش دوم به نقض حقوق انسانی در کشورهای آفریقایی اکثریت آفریقایی شمالی، ناقض سازی جنسی زنان، نقض حقوق انسانی زنان و خشونت علیه زنان در درگیری ها جنگی، زنان مهاجر و پناهجو و اسلام و

این کتاب مکتوب کردن سلسله سخنرانی هایی است که در طی چند سال در کلاسهای سطح بالا دانشگاهی در زمینه قوق بشر زنان ارائه داده شده. این سخنرانی ها در دانشگاه مارکیر

کمپته استرالیایی خدمات بین المللی دانشگاهی و مرکز حقوق بشر و مارکیر ارائه داده شده. از خانم کریستین براتیگام (مدیر بخش حقوقی زنان در سازمان ملل) دعوت شد تا مقدمه این کتاب که آقای حمید حمیدی به فارسی ترجمه شده است را، تهیه نمایند. ایشان هد از انتشار این کتاب را در اختیار قراردادن راهکارها و ابزارهایی برای مقابله با نابرابری های جنسیتی و توانمندی زنان، کنشگران قوق بشر، آموزگاران، وکلا، فعالان جامعه مدنی، فعالان جنبش های اجتماعی از ابزارهای بین المللی و ثرتری استفاده نمایند..

مقدمه این کتاب مروری است آموزنده، دقیق و پربار از تجربه و تحلیل از روندها در زمینه شکل گیری جنبش اجتماعی حقوق بشر و مصوبات بین المللی و پلی است برای آنکه تمامی فصول مفاهیم مندرج برای خواننده کامل تر و بازتر مفهوم گردد.

از زمان تصویب آن که قدمت آن به 65 سال گذشته باز می گردد، همواره از حاشیه به مرکز مباحث بین المللی سوق داده شده و از سال 1948 در کمیسیون موقت زنان سازمان ملل بطور مستمر مورد بحث قرار گرفته است.

اما بعد از دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر در سال 1993 در وی 2 سال قبل از چهارمین کنفرانس بین المللی زنان سازمان ملل متحد، حقوق انسانی زنان مورد توجه خاص قرار گرفته

انعکاس گسترده تجاوز جنسی گروهی به زنان در اروپای شرقی و بویژه بوسنی و هرزگوین قع زمینه ای را بوجود آورد که دی نهادهای بین المللی نمی توانستند

دادن نقض حقوق انسانی زنان و بحث و تبادل نظر و ارائه راهکارهایی برای جلوگیری از چنین اعمال و سیاستهای غیر انسانی به کار خود ادامه دهند.

اینکه زنان علیرغم تمام ابعادی که انسانها نقض حقوق بشر را ت ربه می کنند، به اعتبار زن بودن و جنسیت خود، لایه های دیگری از نقض حقوق انسانی را تجربه می کنند و بحث پیرامون خشونت ها و نقض حقوقی انسانی که مبنای جنسی جنسیتی دارد، در واقع بطور مشخص در سالهای بعد از 1993 ه است.

این کتاب و بویژه مقدمه آن که به فارسی ترجمه گردیده، بخشی از این خلاء را پر کرده و می تواند چهار چوب مشخص ی در این زمینه ارائه دهد.

این ترجمه در زمانی در اختیار خوانندگان فارسی زبان قرار می گیرد که در مارچ 2015، کمیسیون موقعیت

59مین اجلاس خود به بررسی کارنامه عمل آنها 20 سال پس از کنفرانس پکن و تعهداتی که دولت‌ها، و اینکه آنچه در سند نهایی کنفرانس پکن آمده است، بطور مشخص چه اقداماتی را به انجام رسانده اند، به ضرورت انتشار این ترجمه می افزاید.

دوازده محور نگران کننده برای موقعیت فرو دست زنان در عرصه بین المللی شامل، فقر، آموزش بهداشت، خشونت علیه زنان، زنان و جنگی، زنان و اقتصاد، زنان در موقعیت های تصمیم گیری مکانیسم های بین المللی، زنان و رسانه، ها و حقوق بشر می

اگرچه کارنامه جمعی دولت‌ها حاکی از عدم وجود سیاسی برای رفع تبعیضات جنسی و برابری جنسی می باشد و نمی توان به آن امید بست، اما جنبش های اجتماعی و سیاسی برخاسته از کارزارهای بین المللی از جمله سند 131 صفحه ای پکن، امیدبخشی برنامه عمل دقیقی در دست کنشگران برابر حقوقی زنان با مردان قرار دهد.

با سپاس مجدد از آقای حمید حمیدی برای ترجمه مقدمه این کتاب که گرچه اخیراً این کتاب به چاپ نرسیده ولی همچنان نوشتاری ارزنده در ارتقاء آگاهی ما از ابزارهای بین المللی در زمینه دفاع و حمایت از حقوق انسانی زنان می باشد.

الهه امائی

فعال و پژوهشگر حوزه زنان

## راهکارها و ابزارهایی برای مقابله با نابرابری های جنسیتی و توانمندی زنان

### کریه یه

در مقدمه منشور ملل متحد، حقوق اساسی انسانی، و برابری حقوقی زن و مرد مورد تاکید قرار گرفته است. یکی از اهداف تشکیل سازمان ملل متحد، توسعه احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همگان، بدون هیچ گونه تمایز؛ از جمله تمایز جنسی می باشد. تعهد به حقوق مساوی برای زنان، مبنایی را تشکیل می دهد که بر اساس آن، سازمان وسیعی تشکیل گردید تا برابری زن و مرد و رفع تبعیض را تامین کرده و برخورداری زنان را از کلیه حقوق انسانی شان، تضمین نماید. همچنین این تعهد، مبنای توسعه سیاست جهانی را تشکیل می دهد که بر اساس آن، رژیم حقوق بین المللی برای رسیدن به این هدف بهبود یابد. در این نوشتار، نخست به توسعه یک رژیم خاص مربوط به زنان در سازمان ملل متحد اشاره خواهد شد. در این زمینه، به فرایندها و سازمان ها و نیز روند توسعه توجه خواهد شد. تاثیر متقابل رژیم مبتنی بر معاهدات و رژیم مبتنی بر سیاست گذاری مورد بحث قرار خواهد گرفت. تغییر از نظریه «زن محور» به نظریه «جنسیت محور» مرور شده و اهمیت، دیدگاه «جنسیت محور» برای حقوق بشر بین المللی مورد ملاحظه قرار خواهد گرفت.

### توسعه رژیم "زن محور" در سازمان ملل متحد

بر اساس منشور سازمان ملل متحد، مسئولیت حقوق بشر به مجمع عمومی این سازمان و نیز شورای اجتماعی- اقتصادی (به اختصار شورا) به عنوان نهادهای بین دولتی واگذار شده است. کمیسیون های کاری در حوزه های اجتماعی و اقتصادی، در اجرای وظایف شورا به آن مساعدت می کنند. تاسیس یک کمیسیون در زمینه حقوق بشر به وضوح پیش بینی شده است. دفتر دبیر کل سازمان ملل متحد در کلیه برنامه های این سازمان. به شمول فعالیت در جهت پیشرفت زنان، نقش کلیدی را ایفا می کند. این دفتر اطلاعات و اسنادی را در اختیار نهادهای بین حکومتی قرار می دهد که بر اساس آن بتوانند به مطالعه و تهیه گزارش پردازند و همچنین به این نهادها کمک می کند که بتوانند در عمل به سیاست گذاری پردازند. همچنین دفتر دبیر کل، مسئول اجرای تصامیم اتخاذ شده توسط این نهادها و یا نظارت بر اجرای این تصامیم، به هر نحوی که این تصامیم اتخاذ شده، ضرورت می یابد، می باشد. دفتر دبیر کل، همچنین مسئول تنظیم و ارائه خدمات برای جلسات نهادهای مختلف، تهیه بودجه و ایجاد تسهیلات برای برقراری ارتباط با سازمان های غیر دولتی و سازمان های مدنی می باشد. واحد پیشرفت زنان موظف است تا همچون دفتر دبیر کل، خدمات لازم را برای «کمیسیون زنان» و کمیته رفع هر گونه تبعیض علیه زنان ارائه نماید. همچنین این واحد همچون دفتر دبیر کل، موظف به ارائه خدمات به شورای اجتماعی- اقتصادی و مجمع عمومی، در هنگامی که این نهادها موضوع زنان را به عنوان دستور کاری خود، مورد بحث قرار می دهند، می باشد. شورای امنیت از نخستین جلسه اش در سال 1946 اعلام داشت که موضوعات مربوط به زنان مستلزم توجه خاص می باشد. بنابراین، شورا یک کمیسیون فرعی ایجاد نمود.

### کمیسیون زنان

شورای امنیت، در نخستین جلسه اش به سال 1946 تشخیص داد که موضوعات مربوط به زنان مستلزم توجه خاص می باشد. لذا این شورا یک کمیسیون فرعی در این زمینه ایجاد نمود، تا پیشنهادات، سفارش ها و گزارش های مربوط به زنان، از جمله گزارش هایی را که مربوط به موضوعات کاری کمیسیون حقوق بشر می شود، به این کمیسیون ارائه نماید. در پاسخ به نگرانی های بعدی که نمایندگان زنان و سازمان های غیر دولتی ابراز نمودند؛ مبنی بر این که به

دلیل تراکم کاری کمیسیون حقوق بشر، ممکن است مسائل زنان توجه لازم را به خود جلب نکند، شورا با ارتقای موقعیت و نقش عملی کمیسیون فرعی، پذیرفت که این کمیسیون می‌تواند گزارش‌هایش را مستقیماً به شورا ارائه نماید. در نتیجه، کمیسیون زنان در سال 1947، تنها پس از یک جلسه به عنوان یک کمیسیون فرعی، تشکیل شد.

یکی از نتایج تشکیل کمیسیون زنان و کمیسیون حقوق بشر، توسعه و فعالیت‌های عام راجع به حقوق بشر در سازمان ملل متحد از یک طرف و فعالیت‌های خاص زنان از سوی دیگر بود. در طی سال‌ها، این دو رژیم جداگانه، منجر به توسعه یک رابطه مبهم بین حفظ و ارتقای حقوق عام بشری و توجه به نگرانی‌های زنان، به ویژه توجه به نگرانی‌های حقوق بشری آنان شد. صاحب نظران و فعالان حقوق بشر اظهار می‌دارند که وجود این دو رژیم منجر به سهل‌انگاری در باره حقوق بشری زنان در فعالیت‌های عام حقوق بشری شده است.

در عین حال وجود یک رژیم جداگانه برای زنان، توجه خاص و تمرکز بر وضعیت زنان را تضمین می‌کرد. پس از پنج دهه، رژیم خاص مربوط به زنان در سازمان ملل، هنجارهای خاص حقوق بین‌المللی را درباره زنان توسعه بخشیده است. علاوه بر روشن کردن معیارهای حقوقی، این رژیم جداگانه معیارهای سیاسی و اجتماعی را برای اصلاح عوامل و نیز پیامدهای تبعیض سیستماتیک که زنان از آن رنج می‌برند، بهبود بخشیده است. برای انجام وظایف فوق، همکاری گروه‌های مربوط به زنان و نیز سازمان‌های غیر دولتی، موضوعات زیادی را که مربوط به زنان می‌شود، در سطح ملی و بین‌المللی مطرح کرده است.

### **اختیارات و ترکیب کمیسیون**

کمیسیون زنان، در میان نهادهای بین‌حکومتی سازمان ملل برای شفاف سازی مقررات و تبیین استراتژی‌های که هدف آنها تامین برابری زن و مرد در سراسر جهان است، سهم مهمی داشته است. کمیسیون به سفارش و پیشنهاد اقداماتی می‌پردازد که هدف آنها رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و تامین برابری می‌باشد. همچنین این کمیسیون در جهت تمرکز بر نگرانی‌هایی که از سوی زنان ابراز می‌شود، نقش عمده‌ای دارد. منشأ صلاحیت کمیسیون زنان، قطعنامه شماره 2 مورخ بیست و یکم ژوئن 1948 می‌باشد.<sup>3</sup>

این قطعنامه، شامل آماده سازی گزارش و ارائه پیشنهاد به شورای امنیت در باره بهبود حقوق زنان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مدنی و تعلیم و تربیت می‌شود. همچنین قطعنامه مزبور از کمیسیون زنان می‌خواهد تا راجع به مسائل اضطراری حقوق زنان که مستلزم توجه فوری می‌باشند، به منظور اجرای این اصل که زن و مرد دارای حقوق برابر هستند، به ارائه پیشنهادات موثر پردازد. از سال 1947 به بعد، کمیسیون صلاحیت داشته است که به بررسی روابطی پردازد که به وضعیت زنان مربوط می‌شود. (قطعنامه 76 شورای امنیت: پنجم اگوست 1947)

صلاحیت کمیسیون زنان در سال 1987، در پی کنفرانس «زنان و جهان سوم» که در نایروبی به سال 1985 برگزار شد، افزایش یافت.<sup>4</sup> در نتیجه، این شورا وظایف کمیسیون را افزایش داد. این موارد از جمله شامل ارتقا بخشیدن اهداف تساوی طلبانه، توسعه، صلح و نظارت بر اجرای اقداماتی می‌شد که در کنفرانس نایروبی با عنوان «استراتژی نگاه به آینده» برای پیشرفت زنان در نظر گرفته شده بود. همچنین، کمیسیون موظف گردید که به ارزیابی و بازنگری پیشرفت زنان در سطوح ملی، منطقه‌ای، بین منطقه‌ای و جهانی پردازد. در سال 1995 و 1996، یک بار دیگر، پس از یک کنفرانس جهانی در باره زنان، وظایف کمیسیون زنان مورد بازنگری مجدد قرار گرفت تا کمیسیون بتواند وظایف جدیدی را که از کنفرانس نایروبی ناشی

شده بود به عهده گرفته و دست آوردهای آن را انعکاس دهد. در نتیجه، مجمع عمومی در قطعنامه 50/203 مورخ 22 دسامبر 1995 خود در باره اجرای نتایج حاصل از «چهارمین کنفرانس جهانی در باره زنان» (5)، تصمیم گرفت که مجمع عمومی، شورای امنیت و کمیسیون زنان، متناسب با اختیارات و صلاحیت‌های خود، سه مکانیسم بین دولتی متفاوت را ایجاد کنند، تا در سیاست‌گذاری‌ها و تعقیب این سیاست‌گذاری‌ها نقش نخست را ایفا نمایند. این نهادها، همچنین وظیفه اجرا و نظارت بر مقرراتی را که در کنفرانس پذیرفته شد، به عهده داشتند و نقش محوری در این زمینه از آن کمیسیون زنان بود.

شورا به عنوان نهاد مادر، در قطعنامه 1996/6 دوم جولای 1996 وظایف جدیدی به عهده کمیسیون گذاشت. این وظایف عبارتند از:

1- کمک به شورا در امر نظارت، بازنگری و ارزیابی میزان پیشرفت و یا مشکلاتی که در زمینه اجرای اعلامیه پکن و چارچوب عمل و نیز ارائه مشورت به شورا در این زمینه‌ها؛

2- تلاش در جهت ایجاد یک روند کلی از «دیدگاه جنس محور» در فعالیت‌های سازمان ملل و توسعه نقش محوری این سازمان در دیگر زمینه‌ها؛

3- تشخیص موضوعاتی که در نظام گسترده سازمان ملل برای کمک به شورا به عنوان یک نهاد هماهنگ کننده موثر واقع می‌شود؛

4- تشخیص مسائل، روندها و دیدگاه‌های جدید در باره موضوعاتی که بر وضعیت زنان یا برابری بین زن و مرد تاثیر گذار بوده و مستلزم تصمیم‌گیری عاجل می‌باشد و نیز ارائه مشورت در این زمینه؛

5- حفظ و ارتقای آگاهی عامه و تقویت «چارچوب عمل»

این مقولات، اساس جلسات سالانه کمیسیون زنان را تشکیل می‌دهد. در حالی که کمیسیون زنان تا سال 1970 (به جز سال 1964 که جلسه برگزار نشد)، به طور سالانه جلساتش را برگزار می‌کرد، برگزاری جلسات کمیسیون پس از آن به طور دو سال یکبار، از اهمیت این کمیسیون به عنوان یک کمیسیون محوری در امور زنان کاست. از سال 1987 به بعد، بار دیگر جلسات کمیسیون به صورت سالانه درآمد که معمولاً در دو هفته نخست مارچ برگزار می‌شود. از سال 1996 دفتر کمیسیون، مرکب از یک رئیس سه معاون و یک گزارشگر، نقش فعالی را برای تضمین دوام منظم جلسات ایفا کرده است.

متناسب با افزایش اعضای سازمان ملل متحد، حجم کمیسیون نیز گسترش یافته است. در حالی که کمیسیون در هنگام تاسیس پانزده عضو داشت، این تعداد به سال 1952 به 18 عضو به سال 1961 به 21 عضو به سال 1966 به 32 عضو و به سال 1989 به 45 عضو رسید. اعضای کمیسیون توسط نهاد مادر؛ یعنی شورای اجتماعی-اقتصادی برای یک دوره چهار ساله انتخاب می‌شوند. این اعضاء، نمایندگان حکومت‌های خود هستند. کرسی‌های شورا متناسب با مناطق جغرافیایی به صورت زیر توزیع شده است:

13 عضو از کشورهای آفریقایی

11 عضو از آسیا

9 عضو از آمریکای لاتین و کارائیب

8 عضو از اروپای غربی و سایر کشورها

و 4 عضو از کشورهای اروپای شرقی



## شرکت اعضای ناظر و افتخاری

کمیسیون زنان، یک کمیسیون بین دولتی می‌باشد که اعضای آن، توسط دولت‌های متبوع شان برگزیده می‌شوند. بنا براین، این نمایندگان دولت‌های متبوعشان را نمایندگی می‌کنند و تنها اعضای کمیسیون در تصمیمات آن حق رای دارند. البته این امر مانع از آن نمی‌شود که کلیه اعضای سازمان ملل به عنوان اعضای ناظر در جلسات کمیسیون شرکت کنند و اظهار نظر نمایند و نیز در مذاکرات غیر رسمی سهم بگیرند. در واقع، اهمیت کاری کمیسیون که مورد تاکید دولت‌ها می‌باشد، توسط اعضای ناظر که در جلسات سالانه آن فعالانه شرکت می‌کنند، انعکاس می‌یابد.

علاوه بر ناظران دولتی، نمایندگان سازمان‌های بین دولتی چون اتحادیه آفریقا و شورای اروپا به طور منظم در جلسات کمیسیون شرکت می‌کنند. شرکت سازمان‌های غیر دولتی در جلسات کمیسیون، از اهمیت زیادی برای این کمیسیون برخوردار بوده است.

این سازمان‌ها دیدگاه‌های متفاوتی را مطرح می‌کنند و فشارهای سیاسی چشم‌گیری وارد می‌آورند تا نگرانی‌های زنان در سراسر جهان و از هر قشر اجتماعی و اقتصادی، مدنظر قرار بگیرند. سازمان‌های غیر دولتی واسطه‌های برای تضمین توجه به مسائل زنان و نیز تفسیر حقوق و سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی به صورت عملی در سطح ملی می‌باشند. این سازمان‌ها مسائل و موضوعات بسیار جدید را مطرح کرده و توجه جامعه بین‌المللی را به این موضوعات با انگشت گذاشتن روی مسئولیت‌های بین‌المللی جلب نموده‌اند.

کنفرانس‌های جهانی که در دهه 90 به دعوت سازمان ملل متحد، به شمول جلسه سران کشورها در باره کره زمین در «ریودوژانیو آرژانتین» به سال 1990، کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین به سال 1994، کنفرانس بین‌المللی «جمعیت و توسعه» در قاهره به سال 1994، ملاقات سران جهان در «کپنهاگ» در زمینه توسعه اجتماعی، چهارمین کنفرانس جهانی زن در «پکن» به سال 1995 برگزار شده است، به افزایش مشارکت سازمان‌های غیر دولتی هم به لحاظ تعداد و هم به لحاظ تنوع کمک نموده است. در حالی که شرکت سازمان‌ها در گذشته محدود به مشارکت سازمان‌های بزرگ غیر دولتی می‌شد، کنفرانس‌های دهه 90 الهام بخش کلیه سازمان‌های کوچک و بزرگ شد تا در سازمان ملل به صورت فعالی سهم بگیرند و در این زمینه تفاوتی نداشت که این سازمان‌ها، پیوندی با سازمان ملل داشته باشند یا نداشته باشند.

## نقش کمیسیون زنان در توسعه هنجارهای حقوق بین‌المللی

کمیسیون زنان، در تاریخ پنجاه ساله‌اش نقش مهمی در تشخیص مسائل داشته است که توجه عاجل جامعه جهانی را می‌طلبد. این کمیسیون که در آغاز بر توسعه یک چهارچوب حقوقی برای تامین حقوق زنان تاکید داشت، به مدافع یک دیدگاه کلی نگرانه که بتواند نگرانی‌های زنان را انعکاس دهد، تبدیل شده است. نقش زنان در توسعه، تبدیل به کانون فعالیت کمیسیون زنان در دهه 80 و 90 شد. در چند سال گذشته و نیز در خلال کنفرانس‌های عمده سازمان ملل متحد در دهه 90، کمیسیون بر تغییر موضع نظری اش از توجه به مسائل مشخص اما جداگانه زنان که در آن راه حل‌ها یا به صورت جداگانه و مجزا از دیگر مسائل اجتماعی جست‌وجو می‌شد و یا این مسائل را در رابطه متقابل با دیگر عوامل اجتماعی و اقتصادی قرار داده و راه حل مورد نظر را جست‌وجو می‌کردند، به یک دیدگاه «جنسیت محور» در زمینه مسائل زنان تاکید ورزیده است. به جای توجه به زن، دیدگاه جنسیت محور، بر رابطه بین زن و مرد و این که چطور نقش جنسیتی زن و مرد و دستیابی آنان به حقوق، منابع و فرصت‌های متفاوت با توجه به کلیه مسائل

ملی و جهانی، تحت تاثیر قرار می‌گیرد، اکنون توجه عمده کمیسیون تنظیم استراتژی اصلی، تامین هدف "برابری جنسیتی" را تشکیل می‌دهد.

بخش بعدی این مقاله نگاهی به مراحل مختلف کار کمیسیون با تاکید بر نقش کمیسیون در توسعه سیاستگذاری و هنجاری می‌باشد.

### **توسعه چارچوب حقوقی برای تامین برابری زن و مرد**

کمیسیون زنان از آغاز بر وضعیت نابرابر حقوقی که در آن زنان در هنگام مقایسه خود با مردان از آن آگاه می‌شوند، تاکید داشت. دفتر دبیر کل سازمان ملل متحد با اجرای چندین پرسشنامه، آمار و مطالعه اطلاعاتی را جمع آوری نمود که کمیسیون زنان برای توسعه هنجارهای حقوق بشری کارش را بر اساس آن آغاز نمود تا به بیان تبعیض علیه زنان پرداخته و به برابری دست یابد. در این راستا کمیسیون زنان پیش نویس چندین سند را تنظیم نمود که شامل موضوعات خاصی چون حقوق سیاسی و شهروندی زنان می‌شد. همچنین، کمیسیون به شرح معنای اصل «رفع تبعیض» و تامین برابری زنان پرداخته و مکانیسم‌های بین‌المللی را گسترش داد که از آن طریق بر اجرای این اصل نظارت شود.

حقوق بین‌المللی حقوق بشر به ارانه مکانیزمی می‌پردازد که بدان وسیله زنان می‌توانند در سطح ملی به حقوق و فرصت‌های برابر دست یابند. در عین حال، تحقق برابری زنان صرفاً بستگی به وجود هنجارها و معیارهای حقوقی مناسب ندارد. در واقع، رفتار برابر با زنان در قانون یک منبای اساسی می‌باشد. اما دستیابی زنان به برابری اولیه به میزان زیادی وابسته با نقش زنان و جامعه در نگرش‌ها، مفاهیم و قالب‌های ذهنی خواهد داشت که این نقش را مسدود نموده اند. این گونه نگرش‌ها تنها با تدوین قانون تغییر نمی‌یابد. بنابراین، تهیه چارچوب حقوقی با تدوین استراتژی تکمیل گردید، که به جای تنظیم اسناد حقوق در زمینه حقوق، بر برخورداری عملی از این حقوق از طریق اجرای سیاست‌های عملی و توسعه نهادی تاکید شد. این استراتژی عملی بر عوامل نا برابری زنان بیش از علائم و نشانه‌های این نابرابری تاکید داشت.

معاهدات حقوق بشری بین‌المللی مربوط به مسائل زنان، آگاهی کامل از عوامل نابرابری و دیدگاه غالب توسعه، چارچوبی را ایجاد نمود که بر اساس آن، موضوع برابری زنان در سطح بین‌المللی شفافیت بیشتری یافت. این چارچوب عملی، با این استراتژی که جمع آوری وقایع مشاهده پذیر برای تمرکز بر موضوعاتی که زنان بر سر میزهای مذاکره می‌آورند و نیز هم چنین اگر قرار است زنان به حقوق برابر شان دسترسی نمایند، این موضوعات باید توسط سیاست‌گذاران ملی و بین‌المللی اعلام و تکمیل گردند. از اواسط دهه 70، به دلیل یک سری اقدامات عملی در طرح‌های مربوط به پیشرفت زنان، دستیابی به هدف برابری زنان، توسعه و صلح به آرامی به کانون توجه ملی و بین‌المللی تبدیل شد.

### **توسعه هنجارهای حقوق بشری زنان**

از بدو تاسیس کمیسیون حقوق بشر (در حال حاضر شورای حقوق بشر) و کمیسیون زنان، این دو کمیسیون برداشت سخت‌گیرانه و انعطاف ناپذیری از تعهدات منشور ملل متحد راجع به اعتقاد به حقوق برابر برای زن و مرد و آزادی بنیادی برای همگان، بدون هیچ‌گونه تبعیضی ارانه دادند. کمیسیون زنان یک استراتژی دو جانبه را برای توسعه هنجارهای مربوط به زنان در دستور کار خود قرار داد. از یک سو تاثیر بر توسعه هنجارهای عام حقوق بشری و از سوی دیگر اعمال این هنجارها در جهت تحقق یکسان برابر حقوقی زنان و مردان را در پیش گرفت. یکی از گام‌های اولیه تلاش کمیسیون زنان، برای توسعه چارچوب برابری زنان، عبارت از

سهم‌گیری این کمیسیون در تهیه پیش نویس اعلامیه جهانی حقوق بشر بود. پیشنهادات کمیسیون نشان داد که موضوع برابری زنان به طور خاص، در اعلامیه درج شده است. مسائل مندرج در اعلامیه عبارت بودند از:

حقوق مساوی زنان در هنگام ازدواج، پس از ازدواج و انحلال آن. 6

### کنوانسیون‌های خاص

کمیسیون زنان با استفاده از اطلاعاتی که در زمینه وضعیت حقوقی زنان جمع آوری شده بود، به تدوین پیش نویس چندین کنوانسیون در اواخر دهه 1940 و اوایل 1950 پرداخت. این کنوانسیون شامل موضوعاتی می‌شد که در مقام مقایسه با مردان، نابرابری زنان را نشان می‌داد. در نتیجه این کار، مجمع عمومی توانست سه کنوانسیون را که حقوق برابر را برای زنان در زمینه‌های خاص تضمین می‌کرد، به تصویب برساند.

کنوانسیون حقوق سیاسی زنان، به روشنی بر منشور ملل متحد منطبق بوده و دو کنوانسیون دیگر بر اساس ادبیات اعلامیه جهانی حقوق بشر تدوین شدند. بنابراین، این کنوانسیون‌ها به وضوح اصولی را که در اسناد مهم سازمان ملل مندرج بودند، تقویت نمود.

کنوانسیون حقوق سیاسی زنان، در سال 1952 پذیرفته شد و در سال 1954 پس از تصویب تعدادی از کشورها، به مرحله اجرا درآمد. بر اساس این کنوانسیون، کشورهایی که آن را تصویب کرده اند، تعهد می‌سپارند که بدون هیچ‌گونه تبعیضی، به زنان حق برابر با مردان اعطا کنند. این حقوق عبارتند از: حق رای دادن، حق انتخاب شدن و حق اشغال سمت‌های دولتی. 7 کنوانسیون ملیت زنان متاهل، در سال 1957 مورد پذیرش واقع شده و به سال 1958 به مرحله اجرا درآمد. مطابق با این کنوانسیون، زنان متاهل حق دارند که ملیت سابق شان را حفظ کنند و ترک یا به دست آوردن ملیت نباید در اثر ازدواج، طلاق و یا تغییر ملیت همسر تعیین شود. 8 کنوانسیون رضایت از ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج به سال 1962 مورد پذیرش واقع شده و به سال 1964 به مرحله اجرا درآمد. هدف اصلی این کنوانسیون عبارت از تضمین رضایت طرفین در زندگی مشترک و ازدواج بود. 9

بنابراین، کمیسیون زنان، در تدوین کنوانسیون‌های مربوط به حقوق زنان، قبل از آن که کمیسیون حقوق بشر به تهیه پیش نویس دو میثاق حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و حقوق مدنی و سیاسی بپردازد که به سال 1966 توسط مجمع عمومی ملل متحد مورد پذیرش واقع شد و به سال 1976 (10) به مرحله اجرا درآمد، موفق بوده است. هر دو میثاق به طور مساوی و بدون هیچ‌گونه تبعیضی برای زنان و مردان قابل اعمال می‌باشند. میثاق حقوق سیاسی-مدنی، حقوقی را دربر می‌گیرد که قبلاً در دیگر کنوانسیون‌های خاص زنان به تفصیل آمده بودند.

### اعلامیه رفع تبعیض از زنان

پس از پذیرش و اجرایی شدن موفقیت‌آمیز کنوانسیون‌های سه‌گانه، کشورهای عضو لازم دیدند که موضوعاتی توجه نشان دهند که طی چندین سال مورد مطالعه قرار گرفته و نشان دهنده نابرابری فراوان بر زنان بود. اعلامیه رفع کلیه اشکال تبعیض از زنان، به سال 1967 از سوی مجمع عمومی مورد پذیرش واقع شد. (11) این اعلامیه طیف وسیعی از حقوق انسانی، چون حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را دربر می‌گرفت. البته این سند به عنوان یک اعلامیه، به لحاظ حقوقی الزام آور نیست، اما دارای فشار سیاسی و اخلاقی می‌باشد؛ زیرا این اعلامیه نظر جمعی کمیسیون زنان و مجمع عمومی را در باره این امر که با وجود اسناد

حقوقی بین‌المللی عام و خاص زنان، همچون دو میثاق فوق‌الذکر، تبعیض علیه زنان هم در قوانین کشورها و هم در عمل ادامه دارد، انعکاس داد.

### **کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان**

نتیجه حاصل از کنفرانس جهانی در باره زنان در مکزیکوسیتی در سال 1957، عبارت از درخواست تکمیل کار یک سند حقوقی الزام‌آور در باره محو تبعیض علیه زنان بود. این کنوانسیون از سال 1972 به این سو در دست بررسی بوده است. کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، در سال 1979 توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورد پذیرش و در سال 1981 به مرحله اجرا درآمد. (12) این کنوانسیون، به عنوان یک کنوانسیون حقوق بشری، حقوق و الزاماتی را ایجاد نمود. بحث از جزئیات کنوانسیون زمان وسیع‌تری می‌طلبد. در اینجا فقط به این موضوع بسنده می‌نمایم که این کنوانسیون اهمیت تاریخی زیادی داشته است.

### **کنوانسیون خاص زنان، اعلامیه 1967 و دیگر معاهدات**

حقوق بشری مربوط به مبارزه علیه تبعیض، این درک را ایجاد نمود که نسبت به اعمال و قوانین تبعیض آمیزی که زنان در سراسر جهان با آن مواجه هستند، توجه ناچیزی صورت می‌گیرد. وجود یک معاهده بین‌المللی الزام‌آور که دارای ماهیت جهانی و وسیع باشد، اساس ضروری هرگونه تعهد و وظیفه برای دولت‌ها تلقی می‌شد تا بدان وسیله قادر باشند به محو تبعیض پرداخته و برابری بین زن و مرد را تامین نمایند. نبود هرگونه مکانیزم نظارتی در کنوانسیون‌های خاص زنان و اعلامیه‌های غیر الزام‌آور، این تمایل را ایجاد نمود که کار با یک کنوانسیون دیگری که یک مکانیزم نظارتی موثر را برای تضمین اجرای اسناد فوق تأسیس نماید، تکمیل گردد. چنین مکانیزمی فراتر از ارائه گزارش‌های داوطلبانه توسط کشورها خواهد بود.

در نتیجه، کشورهای عضو، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان را که اغلب آن را "قانون حقوق زنان" نامیده می‌شود، پذیرفتند. این کنوانسیون نخستین کنوانسیون بود که در آن ممنوعیت تبعیض علیه زنان، با ایجاد هنجار عام و تعهد سراسری برای رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان را به نحو گسترده‌ای مطرح می‌نماید. این کنوانسیون شامل تبعیض بین‌المللی و غیر بین‌المللی می‌شود؛ زیرا هم شامل اعمال دولتی می‌شود و هم رفتار عاملان غیر دولتی را دربر می‌گیرد. کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان طیف وسیعی از حقوق انسانی، چون حقوق سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و حوزه‌های خصوصی را شامل می‌شود. هدف کنوانسیون به عنوان یک سند حقوقی الزام‌آور، تضمین برابری زنان می‌باشد. به عبارت دیگر، کنوانسیون به دنبال آن بود که اطمینان حاصل شود، جنسیت مانع برخورداری از حقوقی نمی‌شود که بر اساس حقوق بشر بین‌المللی تضمین شده است.

### **اعلامیه رفع خشونت علیه زنان**

بازنگری معیارها و هنجارهای مربوط به حقوق زنان در اعلامیه رفع خشونت علیه زنان، تکمیل گردید و در سال 1993 مورد پذیرش مجمع عمومی قرار گرفت. (13) پیش‌نویس اعلامیه نیز همچون دیگر اسناد بین‌المللی که قبلاً به آنها اشاره شد توسط کمیسیون زنان تدوین و به مجمع عمومی ارائه گردید.

این اعلامیه اوج تلاش‌هایی را نشان داد که توسط سازمان‌های غیر دولتی در پیش گرفته شده بودند تا توجه جامعه بین‌المللی را نسبت به موضوعی که گفته می‌شود در کلیه کشورها و کلیه اقشار اجتماعی شایع بوده، اما هرگز توجه جدی دولت‌ها را در سطح ملی جذب ننموده، جلب

نماید. برعکس، دولت‌ها در بسیاری از موارد به این بهانه که این موضوع خارج از حوزه قانونی قرار دارد و یا تنها با درج حالات بسیار جدی آن در حقوق جزا، موضوع مزبور را نادیده می‌گیرند. در بهترین حالت، قوانین موجود در بسیاری از موارد با بی‌میلی اجرا می‌شود. در نتیجه وجود خشونت علیه زنان، خارج از قلمرو مسئولیت دولت‌ها به عنوان یک موضوع خصوصی باقی ماند. سازمان‌های غیر دولتی با تلاش‌های خود این امر را روشن ساختند که خشونت علیه زنان، محروم کردن آنان از حقوق اساسی شان می‌باشد.

با صدور این اعلامیه که تعریفی از خشونت علیه زنان ارائه داد، جامعه بین‌المللی با اصرار بر توجه منظم به موضوع، گام مهمی را در جهت پیشرفت این موضوع برداشت. اعلامیه درک گسترده‌ای از خشونت به دست داد که شامل هر عملی می‌شد که بر اساس جنسیت منجر به خشونت گردد و یا انتظار رود که منجر به خشونت شود و موجب آسیب‌های جسمی، روانی یا جنسی برای زنان گشته و یا زنان از آنها رنج ببرند. این موارد شامل تهدید به اعمال فوق، اجبار آنان به اعمالی که موجب آسیب شود یا محروم نمودن خودسرانه زنان از آزادی شان می‌شوند؛ چه این‌گونه اعمال در حوزه عمومی انجام پذیرد و یا در زندگی خصوصی زنان اتفاق افتد. در اعلامیه اقدامات زیادی پیش‌بینی شد که زنان را در برابر خشونت علیه آنان از طریق پیش‌گیری و یا با ایجاد یک نظام جبران خسارت، در صورتی که خشونت اعمال شده باشد و نیز با مجازات و تعقیب مرتکب شونده‌گان، محافظت کنند.

تعریف وسیع اعلامیه از خشونت و نیز شرح اعمال خشونت آمیز در آن، ابزاری شد برای جامعه بین‌المللی و گروه‌های مدافع حقوق زنان که به تبیین خشونت علیه زنان در دو سطح عوامل و پیامدهای خشونت بپردازند.

در حالی که در کنوانسیون محو هر گونه تبعیض علیه زنان، خشونت علیه زنان به وضوح مورد اشاره قرار نگرفته بود، نهاد نظارت‌کننده این کنوانسیون یعنی کمیته محو هر گونه تبعیض علیه زنان، تردیدی نداشت که کنوانسیون، خشونت علیه زنان را نیز دربر می‌گیرد. پیشنهاد عمومی شماره 19 کمیته محو تبعیض علیه زنان (جلسه 11 این کمیته: 1992) اذعان می‌دارد که تعریف کنوانسیون از تبعیض، شامل خشونت بر اساس جنسیت نیز می‌شود. خشونت بر اساس جنسیت به این دلیل صورت می‌گیرد که فرد مورد خشونت یک زن است و یا این خشونت به صورت غیر عادلانه زن را هدف قرار می‌دهد. (14) به دولت‌های عضو به طور مشروح گفته شد که چه‌گونه به تعهدات خویش نسبت به کنوانسیون عمل کرده و چه اقداماتی را برای اجرای کنوانسیون در زمینه خشونت علیه زنان، لحاظ نمایند.

مکانیزم دیگری که جامعه بین‌المللی برای تمرکز بر مسئله خشونت علیه زنان ایجاد کرد، تعیین یک گزارشگر خاص در باره خشونت علیه زنان، توسط کمیسیون حقوق بشر به سال 1994 بود. (15 و 16) گزارش‌ها هم شامل عوامل و پیامدهای خشونت می‌شد. گزارشگر خاص که حکم سه ساله‌اش به سال 1997 و سال 2000 تمدید شد، در سه گزارش نخست خود بر ماهیت این مشکل، خشونت علیه زن در خانواده و جامعه و بر خشونتی که دولت مرتکب می‌شود، تاکید نمود. (17)

### **اجراء و نظارت بر قواعد و معیارهای بین‌المللی**

همچون کلیه قواعد حقوق بشری بین‌المللی، هدف از هنجارهای خاص مربوط به زنان، درک و برخورداری زنان از این حقوق در سطح ملی می‌باشد. مسئولیت نخستین تضمین برخورداری از این حقوق، به عهده حکومت‌ها می‌باشد. الزامات حکومت‌ها در تضمین کامل و برابر برخورداری زنان از کلیه حقوق و آزادی‌های اساسی شان، شامل الزاماتی چون احترام به حقوق زنان، حفظ این حقوق و الزام به تضمین برخورداری زنان از حقوق بشری خود می‌شود. (18)

روند نظارت و کنترل بین‌المللی همچون مکانیزم رسیدگی به شکایات برای تضمین تبعیت از هنجارهای بین‌المللی و ایجاد و تقویت مسئولیت‌پذیری دولت‌ها نسبت به اعمال مربوط به حقوق بشر در جامعه بین‌المللی، توسعه یافته است. این مکانیزم یا بر اساس منشور ملل متحد و یا بر اساس معاهدات مربوط به حقوق بشر ایجاد شده اند.

شایع‌ترین مکانیزم نظارتی مبتنی بر معاهده، مکانیزم گزارش‌دهی منظم دولت‌های عضو به نهادهای بین‌المللی تخصصی می‌باشد؛ روندی که در کلیه اسناد حقوق بشر بین‌المللی حفظ شد. به عنوان مثال بر اساس کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، کلیه دولت‌های عضو ملزم هستند در باره اقدامات حقوقی و غیر حقوقی که برای اجرای کنوانسیون تعهد داده اند، گزارش تهیه نمایند.

کشورهای عضو اولین گزارش‌شان را بعد از یک سال از زمان تصویب کنوانسیون ارائه خواهند داد و بعد از آن، این گزارش‌ها هر چهار سال یک بار تهیه و ارائه می‌گردد. (19) گزارشات توسط نهادهای مستقلی که بر اساس مواد کنوانسیون تشکیل می‌گردند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. بر اساس کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، کمیته رفع تبعیض علیه زنان تشکیل گردید که مرکب از 23 نفر می‌باشد و با توجه به توانایی‌های شخص خود عمل می‌کنند. (20)

دومین معاهده مبتنی بر مکانیزم نظارتی، قاعده رسیدگی به شکایات می‌باشد. نمونه‌های این معاهده عبارت‌اند از: روند ارتباطات فردی که بر اساس نخستین پروتکل اختیاری میثاق حقوق سیاسی و مدنی ایجاد شد، مفاد مشابهی که مندرج در کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی می‌باشد، (21) کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های تحقیر آمیز، غیر انسانی و ظالمانه. (22)

با ایجاد یک رویه گزارش‌دهی منظم بر اساس الزامات ناشی از معاهدات برای دولت‌ها، کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان فراتر از یک رویه داوطلبانه‌ای قرار می‌گیرد که از خصوصیات کنوانسیون‌های قبلی مربوط به زنان می‌باشد. پیشنهاد وارده مبنی بر رسیدگی به شکایات فردی به کنوانسیون، به اضافه پروتکل اختیاری میثاق حقوق سیاسی و مدنی در هنگام تهیه پیش‌نویس کنوانسیون، به نتیجه نرسید.

با تأکید مجدد بر عملی شدن تعهدات مربوط به معاهدات بین‌المللی در کنفرانس‌های اخیر، سازمان ملل متحد تهیه یک پروتکل اختیاری را برای این کنوانسیون، به کنوانسیون زنان واگذار نمود تا نسبت به تنظیم آن اقدام نمایند. کار این پروتکل اختیاری در سال 1999 آغاز شد و به سال 1999 با موفقیت به پایان رسید. پیش‌نویس پروتکل اختیاری در پنجاه و چهارمین جلسه این مجمع در پایان سال 1999 برای بحث به این مجمع تحویل شد و پس از آن اعلام گردید که برای امضا، تصویب و یا الحاق به آن آماده می‌باشد. این پروتکل سه ماه پس از آن که ده سند الحاقی تصویب به دبیر کل سازمان ملل متحد تحویل داده شد، به مرحله اجرا می‌رسد. (23)

پروتکل اختیاری روندی را ایجاد نمود که بر اساس آن، زنان به صورت فردی یا گروهی می‌توانند شکایات‌شان را در باره نقض آن دسته از حقوق‌شان که در کنوانسیون آمده است، به کمیته رفع تبعیض علیه زنان تحویل دهند. پروتکل مقرر نمود که برای آن که شکایات فردی زنان توسط کمیته مورد بررسی قرار بگیرد، معیارهایی باید رعایت شود؛ از جمله این که امکان جبران خسارت در داخل کشور وجود نداشته باشد. همچنین پروتکل یک روند تحقیقاتی را ایجاد کرد که کمیته را قادر می‌سازد تا در باره نقض شدید یا سیستماتیک حقوق زنان به تحقیق بپردازد. در هر دو مورد، دولت‌ها باید عضو پروتکل باشند. این پروتکل دارای یک ماده اختیاری است که بر اساس آن کشورهایی که پروتکل را به تصویب رسانده و یا به آن ملحق شده‌اند، می‌توانند



بگویند که روند تحقیق را قبول ندارند. البته این پروتکل صراحت دارد که هیچ حق شرطی پذیرفته نمی‌شود. علاوه بر این، در پروتکل، دولت‌ها ملزم شده‌اند که از بدرفتاری با افرادی که مطابق با پروتکل مشغول اجرای وظیفه هستند و یا تهدید آنان اجتناب ورزند. همچنین دولت‌ها ملزم هستند، این سند را به آگاهی عموم برسانند. با اجرا گردیدن پروتکل اختیاری، کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، در سطح کلیه اسناد حقوق بشری بین‌المللی (کنوانسیون بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی، کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون علیه شکنجه و دیگر اشکال رفتار تحقیرآمیز، غیر انسانی و ظالمانه) ارتقا خواهند یافت که دارای روند رسیدگی به شکایات فردی می‌باشند و نیز به تمام کنوانسیون‌هایی ارتقاء خواهند یافت که دارای روند تحقیق هستند. (کنوانسیون علیه شکنجه)

### **ایجاد یک رژیم بین‌المللی برای پیشرفت زنان**

اگرچه فعالیت اولیه کمیسیون زنان در جهت تامین برابری در حقوق بود، مرحله دوم فعالیت این کمیسیون توسعه این حقوق را در جنبش توسعه زنان مورد تانید قرار داد. تغییر سریع در عضویت ملل متحد در اواخر دهه 1950 و دهه 1960 توجه را به سوی کشورهای در حال توسعه جلب نمود و بر اهمیت دستیابی به توازن توسعه اجتماعی و اقتصادی در کلیه کشورها تاکید شد. کمیسیون زنان با دوام این روند، به بسط یک برنامه درازمدت در باره معیارهای بین‌المللی برای پیشرفت زنان در اواخر دهه 1960 پرداخت. در خلال مرحله دوم کاری خود، کمیسیون بر نیازهای اکثریت عظیمی از زنان در کشورهای توسعه نیافته و بر نقش اجتماعی و اقتصادی آنان در جهت توسعه کشورهای شان، تاکید نمود. هدف، بهبود وضعیت زنان و افزایش مشارکت فعال آنان، بدون تبعیض و بر اساس برابری در کلیه بخش‌های ملی و بین‌المللی بود. توسعه کانون سیاست‌های جهانی در باره زنان، مرحله سوم فعالیت ملل متحد را برای بهبود وضعیت زنان تشکیل می‌دهد. این مرحله در بردارنده سه مقوله برابری، توسعه و صلح می‌باشد. نشانه‌های این مرحله عبارتند از: تشدید فعالیت برای تامین برابری بین زن و مرد. افزایش مشارکت زنان در توسعه ملی و بین‌المللی و به رسمیت شناختن اهمیت تاثیر فزاینده زنان بر توسعه روابط دوستانه، همکاری بین‌دولت‌ها و تحکیم صلح جهانی. از سه کنفرانس جهانی در باره زنان و اعلان دهه زن از سوی سازمان ملل متحد، سه آموزش زیر را برای آینده می‌توان آموخت:

نخست این که معیارهای مربوط به استراتژی کلی توسعه برای پیشرفت زنان ثمر چندانی نداشته است. ثانیاً، اقدامات مربوط به قانون‌گذاری و توسعه زنان، در صورتی مؤثر می‌باشند که این گونه اقدامات با اقداماتی دیگری که برای تغییر نگرش‌ها و پیش دآوری‌ها صورت بگیرند، همزمان باشد. ثالثاً، برای این که زنان بتوانند از حقوق برابر و فرصت‌های توسعه سود ببرند، باید به اقدامات حمایتی روی آورد. این درس‌ها بیش از همه در چهارمین کنفرانس مربوط به زنان در سال 1995 گرفته شد که عنوانش، اقدام برای تامین برابری توسعه و صلح بود.

### **وقایع سال‌های 1975 تا 1985**

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال 1972، سال 1975 را به عنوان سال جهانی زن اعلام نمود.

هدف از اعلام سال جهانی زن، تاسیس جامعه‌ای بود که در آن زنان به تمام معنا و به طور واقعی در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشارکت داشته باشند و استراتژی تامین چنین جامعه‌ای معرفی گردد. در سال 1975 برای نخستین بار سازمان ملل متحد 8 مارس را به عنوان روز زن اعلام داشت.

نخستین کنفرانس جهانی در باره‌ی زنان، کنفرانس سال جهانی زنان در مکزیکوسیتی بود که از 19 جون تا 2 جولای برگزار گردید. مهم‌ترین نتیجه‌ی این کنفرانس، پذیرش «طرح اقدام» در سطح جهانی با ارایه‌ی اولین ارزیابی جهانی از وضعیت زنان بود. این طرح شامل بخش‌های کلیدی در سطوح ملی و بین‌المللی به منظور اقدام در جهت بهبود سه موضوع: برابری، توسعه و صلح بود. انتظار می‌رفت بهبود مشخصی در زمینه‌های سواد آموزی زنان، آموزش‌های حرفه‌ای، دسترسی برابر به تعلیم و تربیت فرصت‌های شغلی و دسترسی به خدمات بهداشتی، حاصل شود. کنفرانس بر نقص جمع‌آوری معلومات و اطلاعات و نیز تحلیل وضعیت زنان در کلیه‌ی زمینه‌ها و سطوح تاکید ورزید.

وجود این گونه معلومات در تنظیم سیاست‌گذاری‌ها و ارزیابی میزان رشد و نیز در تاثیر گذاری بر تغییرات اجتماعی به نفع زنان ضروری ارزیابی گردید. در کنار تاکید بر توسعه‌ی نهادی به عنوان ابزاری برای تامین برابری زنان، در «طرح اقدام» تاسیس مکانیزمی چون ایجاد یک کمیسیون یا دفتر زنان به عنوان وسیله‌ای برای تسریع اجرای این «طرح» در سطح ملی ضروری به نظر می‌رسید. هدف از چنین مکانیزمی مطالعه موقعیت زنان، توسعه سیاست‌گذاری‌ها و ارایه برنامه‌ها و سفارشات بود که اهداف ملی مربوط به زنان را تحقق بخشد.

این کنفرانس منجر به ایجاد دو نهاد خاص زنان؛ یعنی تحقیقات بین‌المللی و «نهاد آموزش و پیشرفت زنان» شد که اساسنامه آن توسط کمیسیون زنان تهیه شده بود. دهه زنان: برابری، توسعه و صلح 1985-1976 در پایان کنفرانس مکزیکوسیتی توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام گردید.

هدف از اعلان این دهه به عنوان دهه زنان، تمرکز بر اجرای «طرح اقدام» بود که در سطح ملی و بین‌المللی در کنفرانس مکزیکوسیتی مورد پذیرش واقع شده بود. کنفرانس کپنهاگ در اواسط دهه زنان که از 14 تا 30 جولای 1980 برگزار شد، اختصاص به ارزیابی میزان پیشرفت حاصله در اجرای «طرح اقدام» کنفرانس مکزیکوسیتی داشت. (26) در این کنفرانس اعلام گردید که کمیت و کیفیت بهبود وضعیت زنان کافی نبوده است، پیوند بین بحران اقتصادی در سطح جهان و وضعیت زنان توضیح داده شد. دولت‌ها ترغیب شدند که اهداف کمی و کیفی خاصی را برای نیمه دوم دهه زنان در پیش گرفته و فعالیت‌های شان را به خصوص بر بهبود اشتغال، وضع بهداشتی و تعلیم و تربیت زنان متمرکز نمایند.

در پایان دهه، 157 کشور در نایروبی در کنفرانس «بازنگری و ارزیابی» دست‌آوردهای دهه زنان، برابری، توسعه و صلح را که از 15 تا 26 جولای 1985 برگزار گردید، مورد بررسی قرار دادند. هدف اصلی این کنفرانس بازنگری پیشرفت این دهه بود. قدرت جنبش جهانی زنان و تاثیر روز افزون این جنبش بر موضوعات ملی و بین‌المللی در کنفرانس‌های مقدماتی و نیز حضور بی‌سابقه سازمان‌های غیر دولتی، در کنفرانس نایروبی و به موازات آن در تریبون آزاد سازمان‌های غیر دولتی انعکاس یافت.

استراتژی نگاه به آینده‌ی کنفرانس نایروبی برای پیشرفت زنان (27) طرحی بود که در آن مجموعه اقداماتی در نظر گرفته شد تا بدان وسیله با موانع نابرابری زنان تا سال 2000 مقابله شود. در این کنفرانس، توجه خاصی نسبت به زنان آسیب‌پذیر و محروم، همچون زنان فقیر، روستایی، زنان کهنسال، مهاجر، معلول و زنانی که مورد بد رفتاری قرار گرفته‌اند، صورت گرفت. این استراتژی رویکرد دهه 60 و اواخر دهه 1970 را که بدان وسیله اقدامات حمایت‌گرانه از منافع اجتماعی زنان از نخستین گام‌های بهبود وضعیت زنان تلقی می‌شد، تغییر داد.



دیدگاه فواید توسعه برای زنان، در جریان دهه، جایش را به دیدگاه ایجاد یک سیاست گذاری قاطع داد که بدان طریق اهداف برابری، توسعه و صلح تنها از طریق مشارکت برابرزنان در توسعه دست یافتنی تلقی می‌شد. این نظریه، بر نقش محوری زنان به عنوان روشنفکر، سیاست گزار و تصمیم گیرنده، طراح، همکار و مشارکت کنندگان، در توسعه تاکید ورزید.

### **چهارمین کنفرانس جهانی در 1995**

چهارمین کنفرانس جهانی با موضوع زنان، در تاریخ 4 تا 15 سپتامبر 1995 در پکن، برگزار شد و اعلامیه پکن و چهارچوب کاری پذیرفته شده آن، گام‌های مهمی در جهت سیاست گذاری‌های جهانی مجدد برای زنان به شمار می‌رود. شرکت 189 کشور و بیش از 2500 سازمان غیر دولتی در کنفرانس و حضور حدود 30000 شرکت کننده در تریبونی که سازمان‌های غیر دولتی ایجاد کردند، این کنفرانس را به بزرگترین تجمعی که تا آن زمان از سوی سازمان ملل متحد سازمان دهی شده بود، تبدیل کرد. آمادگی برای این کنفرانس در سطح ملی و بین المللی و منطقه‌ای از سال 1992 اتخاذ گردید. آماده کردن حدود 170 «طرح اقدام» ملی تقریباً کلیه‌ی جهانیان را با مساله زنان درگیر می‌کرد. این آمادگی‌های ملی، و پنج کنفرانس مقدماتی منطقه‌ای به سال 1994 (29) طرح‌ها و چهارچوب‌های عملی این کنفرانس‌ها در سطح منطقه‌ای، منجر به آمادگی جهانی تحت رهبری کمیسیون زنان سازمان ملل متحد گردید. کنفرانس پکن را می‌توان با میزان کمکی که به برابری نموده و همچنین با میزان تاثیر گذاری آن بر اوضاع جهانی در باره‌ی توسعه اجتماعی و اقتصادی که در طول دهه‌ی 1990 در چندین کنفرانس سران مطرح بوده است، مورد ارزیابی و سنجش قرار داد.

### **کنفرانس پکن و اهمیت آن نسبت به برابری جنسیتی**

پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در مشارکت زنان و افزایش قدرت انتخاب و ایجاد فرصت برای زنان در طول این دهه حاصل شده است؛ اگرچه نمی‌توان گفت که برابری زنان به طور کامل تامین شده است. در دهه‌ی 1980 و اوایل دهه‌ی 1990 توسعه سیاسی و اقتصادی همراه بود با ظهور شواهدی که نشان می‌داد در برخی از مناطق، زنان زمینه‌هایی را که به نظر می‌رسید قبلاً به دست آورده‌اند، از دست می‌دهند؛ همچون مشارکت‌های اقتصادی و سیاسی را که در اروپای شرقی به دست آورده بودند. همزمان با دوام و افزایش فقر در آفریقا، از آنجا که از میان رفتن فرصت‌های زنان بیش از مردان بر سر زبان‌ها بود، نتیجه‌گیری این شد که دستاوردهای زنان کمتر از موفقیت‌های مردان ساختارمند می‌باشد.

تصویر ناموزونی که در 1990 از زنان ارائه گردید، در کمیسیون زنان، مباحث جدیدی را به خصوص از سوی متخصصان برانگیزیت. آنان تاکید کردند که مساله اصلی نه عدم مشارکت زنان در توسعه، بلکه نوع و ماهیت توسعه‌ای بوده که در پیش گرفته شده است. در نتیجه، از زنان خواسته شد که در تغییر روند توسعه مشارکت کنند. استدلال اصلی آن بود که موضوع و اهداف توسعه بدون توجه به مشارکت کامل و برابر زنان طراحی شده و بنابراین، انتظارات و تجارب زنان را منعکس نمی‌کند. از آنجا که تساوی جنسیتی هم به عنوان یک هدف و هم به جهت وسیله برای تحقق یک توسعه‌ی پایدار و انسان محور، بخشی از سیاست توسعه قبلی نبوده است، تنها تغییر سیاست توسعه‌ای، که نگرانی‌ها و دغدغه‌های زنان و مردان در آن به طور مساوی در نظر گرفته شود، لزوماً چهارچوبی را ایجاد خواهد کرد که برابری را تضمین می‌کند. (30)

روند مقدماتی چهارمین کنفرانس جهانی زنان، باعث تغییر از رویکرد "زن محور" به رویکرد "جنسیت محور" شد. در حالی که رویکرد جنسیت محور به عنوان یک چهارچوب مفهومی، از

جنبش زنان برای توسعه ناشی می‌شد، اعتبار و قابلیت کاربرد آن در حوزه‌های مختلف به شمول حوزه حقوق بشر و سیاست‌گذاری اقتصادی، به اثبات رسید. (31)

«طرح اقدام» مانع از عملی شدن چهارچوبی شد که بر اساس آن، موضوع برابری جنسیتی به سه زیر مجموعه‌ی برابری، توسعه و صلح تقسیم می‌شد. در مقابل این طرح، بسیاری از حوزه‌های مورد علاقه‌ی زنان اگر نه همه‌ی آنها، تاثیر، پیامدها یا راه‌حل‌های خاص خود را در زیر مجموعه‌های سه‌گانه ارائه داد.

در «طرح اقدام» 12 بخش برای پنج سال بعدی شناسایی شد تا درباره آنها مطالعات و اقدامات لازم صورت گیرد.

این بخش‌ها عبارت بودند از: زنان و فقر، آموزش و پرورش زنان، زنان و سلامت و بهداشت، خشونت علیه زنان، زنان و جنگ، زنان و اقتصاد، زنان، قدرت و تصمیم‌گیری، مکانیزم‌های قانونی پیشرفت زنان، حقوق بشری زنان، زنان و رسانه‌ها، زنان و محیط و کودکان دختر. در حالی که تعدادی از این مقولات؛ همچون آموزش و اقتصاد در اسناد و معاهدات قبلی مورد تاکید قرار گرفته بودند، «طرح اقدام» موضوعاتی را مطرح کرد که در انتقاد از وضعیت زنان به ظهور پیوست.

«طرح اقدام» بر اساس نگرانی‌های زنان در سراسر جهان، خشونت علیه زنان را به عنوان یکی از نگرانی‌های عمومی کلیه کشورها تثبیت نمود. همچنین این طرح، در نتیجه‌ی کنفرانس 1993 وین در باره حقوق بشری زنان، مسایل حقوق بشری آنان را مورد اهتمام جدی قرار داد. بخش زنان و بهداشت، یکی از بحث برانگیزترین موضوعات کنفرانس پکن، به گونه‌ای در نظر گرفته شد که شامل حقوق مربوط به کودک و زایمان، سلامت جنسی و حقوق مربوطه نیز، گردید.

یکی دیگر از ابعاد مشخص «طرح اقدام» تاکید آن بر عمل بود. توافقات قبلی، جزییاتی در باره وضعیت زنان و این که چه چیزی لازم است انجام شود، ارائه کرده بود، اما در باره این که چطور باید عملاً به اهداف تعیین شده دست یافت، شفافیت چندانی وجود نداشت. بر عکس «طرح اقدام» تحت هر یک از حوزه‌های مورد توجه، اهداف و توافقات استراتژیکی را بر اساس اعمال و اقداماتی که باید صورت بگیرند، مشخص می‌سازد. این طرح، کسانی را که مسئولیت انجام اقدامات فوق را به عهده دارند، تعیین کرده است. در حالی که بر اساس «طرح اقدام» جای تردید باقی نمی‌ماند که مسئولیت اجرای آن در درجه‌ی نخست در سطح ملی به عهده‌ی دولت‌ها است، جامعه‌ی بین‌المللی از طریق توسعه همکاری و دیگر فعالیت‌ها، نهادهای نظام سازمان ملل متحد، سازمان‌های غیر دولتی و سازمان‌های جامعه‌ی مدنی؛ به شمول بخش خصوصی مسوولیت دارند تا در این زمینه تلاش کنند.

علاوه بر این که اقدامات خاص به نفع زنان در نظر گرفته شده و عوامل مسوول اجرای این گونه اقدامات و اعمال نیز تعیین شد، یکی دیگر از جنبه‌های مشخص طرح اقدام، عبارت از طرح رویکرد جنسیت محور، به عنوان یک رویکرد جدید برای دستیابی به برابری می‌باشد.

در این راستا، طرح اقدام، یک دیدگاه "جنسیت محور" را به مثابه استراتژی و ابزار اصلی این تلاش بنیاد نهاد. برای تاکید بر این روند، حکومت‌ها در اعلامیه‌ی پکن بر اجرای طرح اقدام، تعهد سپردند و اطمینان دادند که دیدگاه جنسیت محور در کلیه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های آنان انعکاس خواهد یافت. (32) تعهد نسبت به دیدگاهی جنسیت محور با توجه به 12 مقوله مورد اهتمام، یک بار دیگر مورد تاکید قرار گرفت. (33)

طرح اقدام، موضوع جهانی برابری جنسیتی با توجه به تجارب گذشته، طرح موضوعات جدید برای عمل و ارایه رویکردهای مفهومی جدید برای دستیابی به اهداف مورد نظر را، تشکیل می‌دهد. این طرح، دو دیدگاهی متفاوت را برای دستیابی به اهداف مطرح ساخت: از یک طرف

اعمال سیاست‌ها و برنامه‌های خاصی را برای زنان با اهمیت تلقی می‌کند تا بدان وسیله نشان دهد که نابرابری و محرومیت زنان در حوزه‌های دوازدهگانه‌ای که در طرح اقدام مورد شناسایی قرار گرفتند در عمل ادامه یافته است. این اعمال و سیاست‌گذاری‌ها تلاش‌هایی در نظر گرفته شدند که در درجه‌ی نخست به بهبود و اصلاح پیامدهای محرومیت، تبعیض و نابرابری منتهی می‌شوند.

از طرف دیگر، طرح اقدام، تردیدی باقی نمی‌گذارد که کلیه‌ی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ها در هر زمینه‌ای، باید مبتنی بر این ارزیابی باشد که برای زنان و مردان، مفید می‌باشند، یا خیر؟ به همین ترتیب، برابری جنسیتی، دیگر تنها مسوولیت زنان یا نهادهای مختص به زنان نبود؛ بلکه کلیه‌ی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ها برای دستیابی به برابری جنسیتی در نظریه‌ی جنسیت محور تلقی شد.

همان‌گونه که هدف از دیدگاهی جنسیت محور عبارت از تکیه بر تجارب هر دو جنس مردان و زنان از مراحل نخست طرح سیاست‌گذاری و توسعه تا اجرا، نظارت و ارزیابی آن می‌باشد، همچنین این دیدگاه، برابری جنسیت را در کلیه‌ی رفتارهای عمومی توصیه می‌کند. بنابراین، این طرح تضمین می‌کند که در سیاست‌گذاری‌های عمومی دستیابی به این هدف؛ یعنی تلقی برابری جنسیتی به عنوان بخشی از رفتار عمومی، مورد حمایت قرار می‌گیرد و نه صرفاً دغدغه‌ها و نگرانی‌های زنان پس از هر حادثه به صورت انفرادی.

### **نگرانی‌های سازمان ملل متحد در چهارمین کنفرانس زنان در دهه 1990**

گفته می‌شود که تلاش‌های کمیسیون زنان در دهه‌های 1980 و 1960 برای تامین برابری زنان تاثیر چندانی نداشته است: عمدتاً به این دلیل که این تلاش‌ها، کوشش‌های منفرد از سوی نهادهای خاص مربوط به زنان بوده که در جریان اصلی فعالیت‌های سیاسی و توسعه بازتاب خاصی نداشته‌اند.

این ضعف تا حدودی با جنبش توسعه زنان که بر مشارکت زنان در توسعه، نه فقط به عنوان کسانی که از نتایج آن بهره می‌برد، بلکه به عنوان کسانی که باید در توسعه سهم بگیرند و به فعالیت بپردازند، جبران شد. البته تا دهه 1990 توجه جدی و منظمی نسبت به وضعیت زنان که شامل بخش‌های مختلف گردد، صورت نگرفت. توصیه‌های خاص مربوط به جنسیت، اختصاص به کنفرانس‌ها و جلسات اخیر سران دارد.

در حالی که این توسعه به خودی خود تاثیر جنبش غیر دولتی و دولتی زنان را مورد تایید قرار می‌دهد، نتایج کنفرانس تا حد زیادی با اختصاص پاراگراف‌ها و بخش‌های خاصی به زنان، بر نگرانی‌های آنان بر دیدگاهی زن محور تاکید دارد، تا باز کردن مسیری برای دیدگاهی جنسیت محور. با این وضعیت، هنگامی که این اسناد در پرتو «طرح اقدام» کنفرانس پکن قرانت شوند، ساختارها و روندهایی که تبعیض علیه زنان را تثبیت می‌کند، قابل تشخیص بوده و می‌توان بر اساس آن، سیاست‌های اصلاحی و پیش‌گیرانه را مورد توجه قرار داد.

### **از زن تا جنسیت: تغییری در دیدگاهی مفهومی**

واژه‌ی جنسیت اشاره به نقش‌های اجتماعی ساخت یافته‌ی زنان و مردان دارد که بر اساس جنس شان به آنان نسبت داده می‌شود. واژه‌ی «جنس» به خصوصیات فیزیکی و زیستی زنان و مردان اشاره دارد. نقش‌های جنسیتی نشان دهنده‌ی ساختارهای اجتماعی متفاوت زنان و مردان راجع به هویت‌های آنان است که از موقعیت‌های اجتماعی متفاوت شان ناشی می‌شود، نه از رفتار ذاتی شان. نقش‌های جنسیتی تابع شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد و بنابراین، اختصاص به زمان و مکان خاصی دارد. این نقش‌ها بر اساس شرایطی که در آنها به وقوع

می‌پیوندند شکل گرفته و تحت تاثیر عواملی چون طبقه، سن و قومیت و نژاد تعیین می‌شود. نقش‌های جنسیتی، اکتسابی بوده و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت می‌باشند و همچون هر ساختاری قابل تغییر هستند. نقش‌های جنسیتی و روابط زنان، دسترسی آنان را به حقوق، منابع و فرصت‌ها در زندگی عمومی و خصوصی شان تعیین می‌کند. نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در زمان حاضر، عمدتاً بدون توجه به ابعاد جنسیتی شکل گرفته‌اند. انتظارات از نقش زنان، بر بهره‌مندی آنان از حقوق شان، دسترسی برابر به فرصت‌ها و منابع، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها در کلیه سطوح و دیگر منافع، کالاها و خدماتی که در جامعه عرضه می‌شود، تاثیر می‌گذارد.

تجزیه و تحلیل جنسیت، تلاش منظمی است برای فهم نقش زنان و مردان در شرایط معین و این که چطور یک عملی، تصمیمی طرح خاصی بر زنان و مردان تاثیر می‌گذارد. این رویکرد مانع از آن می‌شود که زنان همچون یک گروه منزوی در نظر گرفته شوند و تاکید بر تاثیر موضوعات و مسایل بر هر دو جنس زن و مرد دارد. بر اساس این رویکرد، نگرش‌ها پیش دوازی‌ها، مفروضات و انتظاراتی که فرد یا جامعه در باره‌ی نقش زنان در رابطه با مساله‌ای دارد، موانع دست‌یابی زنان به برابری تلقی می‌شوند. تحلیل جنسیت امتیازات و محرومیت‌هایی را که هر یک از دو جنس در رابطه با مشکلی که تجربه کرده‌اند، نمایان ساخته و موجب می‌شود که بتوان بر اساس آن گام‌هایی در جهت محرومیت زدایی و تدوین استراتژی‌های اصلاحی و پیش‌گیرانه برداشت. ارزیابی منظم پیامدهای قانون‌گذاری اتخاذ سیاست یا برنامه‌ای، تضمین می‌کند که تصویر عینی و کامل‌تری از سود و زیان عملی قبل از انجام آن، حاصل شود. تحلیل جنسیت زمینه‌ی حضور برابر و عادلانه‌ی کلیه اعضای جامعه را در شکل بخشیدن آن، فراهم می‌کند. بنابراین، این رویکرد ابزاری بر تحقق یک هدف می‌باشد؛ یعنی دست‌یابی به برابری جنسیتی. (35)

برابری جنسیتی از طریق رفتار متمایز و متفاوت با هر یکی از دو جنس یا از طریق اقدامات حمایت‌گرانه از زنان به تنهایی حاصل نمی‌شود. رفتار متفاوت این امر را که زنان و مردان واقعیات متفاوت اجتماعی هستند و نقش‌های شان بر محور جنسیت شکل گرفته‌اند، نادیده می‌گیرد.

اقدامات حمایتی از زنان، منشا و ماهیت انقیاد زنان را زیر سوال نمی‌برد. تاکید بر جنسیت، موقعیت نابرابر زنان را که مبتنی بر نابرابری ساختاری و تبعیض سیستماتیک علیه آنان می‌باشد، برجسته می‌سازد.

### **رویکرد مبتنی بر جنسیت و حقوق بشر بین‌المللی**

حقوق بشر و آزادی‌های اساسی که ذاتی انسان می‌باشد، به زن و مرد به طور مساوی تعلق دارند. بنابراین، دیدگاه‌های اصلی حقوق بشری مدت‌ها است که بر این اصل تاکید می‌ورزد که هنجارهای حقوق بشری هیچ ربطی به جنسیت ندارند. البته نابرابری قدرت بین زن و مرد، تبعیض سیستماتیک علیه زنان و عدم حضور زنان در تدوین و اجرای قوانین، نمایانگر عدم تناسب در ارایه تجارب زنان و مردان می‌باشد. این عوامل، همچنین بر فهم عمومی مورد قبول از قوانین حقوق بشر بین‌المللی تاثیر داشته است؛ زیرا در حقوق بشر بین‌المللی ساختار و بنیاد هنجارها، موانع برابری زنان را تشکیل می‌دهند. این فرایندها، در فقدان برخورداری زنان از حقوق شان که در اصل ریشه در جنسیت دارد، نقش داشته است.

تحلیل جنسیت محور، از فرایندها و هنجارهای حقوق بشر بین‌المللی می‌تواند، تعصبات مبتنی بر جنسیت را که محرومیت و نابرابری زنان را افزایش می‌دهد، آشکار سازد. عوامل جنسیتی بر

بهره مدنی زنان از حقوق بشری شان تاثیر دارد بنابراین، تاثیر جنسیت باید با توجه به درک و تحقق کامل حقوق و نیز میزان برخورداری زنان از آن مورد ارزیابی قرار گیرد. درک رایج از هنجارهای حقوق بشر بین‌المللی، به میزان زیادی تجارب مردان را منعکس کرده و بی‌توجهی نسبت به رفتاری را که زنان به دلیل جنسیت شان از آن رنج می‌برند، تثبیت می‌کند. موضوعاتی که بخشی از حقوق بشر بین‌المللی به شمار نمی‌روند، اما از سوی زنان به عنوان نگرانی‌های حقوق بشری شان مطرح می‌گردند، شامل اشکال مختلف خشونت می‌شود که زنان از آنها در فضاهای داخلی، محل کار؛ یعنی فقدان دسترسی آنان به اطلاعات و خدمات صحتی یا باز داشتن شان از دستیابی به چنین خدمات و اطلاعاتی، یا وجود محدودیت شدید قانونی سقط جنین که هر دو زمینه ممکن است بر حق حیات زنان تاثیر بگذارند؛ همچنین وجود قوانین تبعیض آمیز که توسط فرهنگ و سنت توجیه می‌شوند؛ همچون قوانین ازدواج و خانواده، یا ایجاد موانع به طور خصوصی در راه برخورداری زنان از آزادی بیان و آزادی فعالیت اجتماعی در جهت تعقیب، دریافت و دادن اطلاعاتی که ریشه در تبعیض جنسیتی و نقش‌های جنسیتی زنان دارد، رنج می‌برند. تاکید رایج بر حقوق سیاسی و مدنی نسبت به محرومیت از حقوق اقتصادی و اجتماعی، محرومیت سیستماتیکی را بر دست رسی به منابع و فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی که زنان با آن مواجه می‌باشند، بر آنان تحمیل می‌کند. حقوق و امتیازات موروثی، تبعیض مربوط به حاملگی، تبعیض در محل کار یا برای دستیابی به کار، مواردی هستند که در آنها زنان همچنان با محرومیت‌های مبتنی بر جنسیت روبه‌رو می‌باشند. (36)

بسیاری از این حقوق در اسناد بین‌المللی، به خصوص میثاق اقتصادی، حقوق اجتماعی و فرهنگی و میثاق حقوق سیاسی و مدنی و کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان انعکاس یافته‌اند.

محتوای کلی این متون مستلزم آن است که معنا و ماهیت آنها از طریق شرح و تفسیر و نیز کاربرد عملی شان روشن شود.

با توجه به این مساله معیارهای تحقق برابری زنان نباید همان معیار رایج باشد که به سادگی به معنای تایید مجدد موقعیت زنان می‌باشد، بلکه بر عکس معیار جدید برابری با توجه به بازنگری مفروضات رایج و به دست دادن فهم جدیدی از معنای برابری از زاویه دید یک نظریه‌ی جنسیت محور ایجاد گردد. این زاویه دید جدید، باید دیدگاه‌ها، منافع و نیازهای زنان و مردان را به عنوان بخشی ذاتی و انفکاک ناپذیر هرگونه گفتمان حقوق بشری به طور مساوی در نظر داشته باشد. این معیار جدید، باعث می‌شود که نیازها و دغدغه‌های مردان و زنان مشروع و طبیعی تلقی شود، تا قراردادان نیازهای زنان در طبقه‌ی خاصی و در نتیجه خارج کردن این نیازها از قلمرو عادی معیارها و ملاحظات.

از آنجاکه مهمترین هدف حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، عبارت از آن است که همگان بدون هیچ گونه تبعیض از آنها بهره‌مند شوند، بنابراین، باید این حقوق را به گونه‌ای مفهوم سازی کرد که زنان و مردان به طور برابر از تفسیر آن برخوردار شوند. «طرح اقدام» به عنوان یک شیوه‌ی پذیرفته شده‌ی جدید با حقوق بشر بین‌المللی هماهنگی دارد؛ زیرا این طرح همچون وسیله‌ای برای تفسیر واقعیات جاری و تحرک سیاسی و اقتصادی عمل می‌کند که زنان خود را در آن می‌یابند و این که مبانی‌ای را تشکیل می‌دهد که فهم حقوق بشر بین‌المللی را میسر می‌سازد. در نتیجه‌ی رویکرد جنسیت محوری که در این طرح گنجانده شد. تفسیر و تحقق عملی حقوق بشر بین‌المللی را با توجه به پیشرفت و آینده نگری آن، به عهده دارد.

## دیدگاه جنسیت محور و توسعه‌ی حقوق بشر بین‌المللی

در سال‌های اخیر، به خصوص از هنگام برگزاری کنفرانس‌های جهانی در باره‌ی زنان پیشرفت زیادی در تاکید بر خورداری زنان از حقوق بشری شان حاصل شده است. این تلاش‌ها بر یک استراتژی دو بعدی متمرکز بود.

از یک طرف تقویت رژیم حقوق بشر که در قالب کنوانسیون محو کلیه‌ی اشکال تبعیض علیه‌ی زنان و مکانیسم نظارت بر آن تبلور یافته بود، ضروری تلقی می‌شد. اهمیت کنوانسیون و نهاد تخصصی آن از نقش رهبری کننده‌ی جهانی آن ناشی می‌شود. همچنین اهمیت این کنوانسیون بر ظرفیت کنوانسیون محو کلیه‌ی اشکال تبعیض علیه‌ی زنان و این که تا چه حد این کنوانسیون قادر است نقش هماهنگی نهادهای مختلف را در زمینه‌ی کاری شان به عهده بگیرد، بستگی دارد.

عوامل چندی وجود دارد که به وضوح بر اهمیت و تقویت رژیم خاص مربوط به زنان تاکید می‌ورزند. در سال 1997، کمیته‌ی رفع خشونت از زنان، برای اولین بار توانست در مدت یک سال تقویمی، دو بار به منظور ایفای مسوولیت‌های خود؛ به شمول بررسی گزارش‌های دولت‌های عضو، جلسه برگزار کند. (37) توصیه‌های اخیر کمیته رفع تبعیض از زنان، در مقایسه با توصیه‌های قطع نامه مانند سال‌های قبل از کیفیت بهتری برخوردار می‌باشند. توصیه‌های کلی اخیر؛ به خصوص توصیه‌ی شماره 9 سال 1992 که مربوط به رفع خشونت از زنان می‌شد، توصیه‌ی شماره 21 در باره‌ی برابری در ازدواج و روابط خانوادگی (مواد 9، 15 و 16)، توصیه شماره 23 در باره‌ی زندگی عمومی زنان (ماده 21) با دقت و مهارت، نظریات کمیته را بیان می‌کنند. این توصیه‌ها بازتاب دهنده‌ی درک کمیته از معانی این موضوعات، مواد کنوانسیون و وظایف حکومت‌ها بود تا از مطابقت اعمال آنها با کنوانسیون اطمینان حاصل شود. (38) توسعه‌ی یک روند طرح شکایت که به افراد اجازه می‌دهد به کمیته رفع خشونت از زنان مراجعه کرده و راجع به نقض حقوقی که در کنوانسیون تضمین شده است، شکایات شان را مطرح کنند، یکی دیگر از شاخص‌های قوت کنوانسیون می‌باشد. البته این مزیت، همچنین بازتاب دهنده‌ی این درک می‌باشد که دست آوردهای حاصله در زمینه‌ی حقوق بشری زنان در فعالیتهای حقوق بشری عمومی، نیاز به ایجاد ساختارها و مکانیسم‌های خاصی برای رفع نگرانی‌های حقوق بشری زنان را مورد تاکید قرار می‌دهند.

از سوی دیگر، توجه روز افزون در فعالیتهای عمومی حقوق بشر بر حقوق بشری زنان تمرکز یافته است. هدف اولیه‌ی رویکرد جنسیت محور در حقوق بشر بین‌المللی بر چیزی است که می‌توان آن را «جریان اصلی» خواند؛ یعنی روندها و نهادهایی که مواد و تفسیر حقوق بشر را شکل می‌بخشند. در این زمینه، نمونه‌های اندکی می‌توان یافت که نشان دهد کارهایی صورت گرفته است.

کنفرانس جهانی وین به سال 1993 در باره‌ی حقوق بشر، نشانه‌ای برای توسعه‌ی موضوع حقوق بشر بود که شامل نقض حقوق بشر بر اساس جنسیت نیز می‌گردید. (39) در حالی که این کنفرانس خشونت علیه زنان و دیگر اشکال خشونت همچون تجاوز سیستماتیک، خشونت جنسی و حاملگی اجباری را در منازعات نظامی از جمله نقض حقوق بشری زنان به حساب آورد، باید خاطر نشان ساخت که نقض حقوق بشر بر اساس جنسیت فراتر از این خشونت‌ها می‌رود و هر نوع نقض حقوق بشر را شامل می‌شود که به دلایل جنسیتی صورت می‌گیرد و یا صرفاً به خاطر زن بودن قربانی بر وی اعمال می‌گردد.

پس از کنفرانس وین، کمیسیون حقوق بشر با توجه به کلیه‌ی مکانیسم‌هایی که در پرتو آن ایجاد شد، توجه بیشتری به نقض حقوق بشری زنان از خود نشان داد. در حالی که این امر گام مثبتی

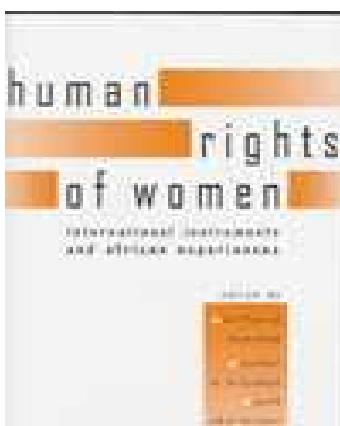
به شمار می‌رود، اما باید اعتراف کرد که این تلاش‌ها در مراحل اولیه‌ی خود باقی مانده‌اند. این موضوعات بستگی به میزان آشنایی افراد با رویکرد جنسیت محور و نیز تمایل آنان برای به کار بردن این رویکرد در تحلیل‌ها و کارهای شان دارد. البته هنوز هیچ تغییر سیستماتیک و ساختاری به وقوع نپیوسته است. (40) معاهدات حقوق بشری که توسط کمیته‌ی رفع تبعیض علیه زنان تنظیم شده‌اند، به نحو فزاینده‌ای به موضوعات جنسیتی توجه نشان داده‌اند. در خلال ملاقات سالانه‌ی روسای نهادهایی که تنظیم معاهدات را به عهده دارند، کاربرد نظریه‌ی جنسیت محور، توسط نهادهای تنظیم کننده‌ی معاهدات، شامل آژندای کاری شان گردید. (41) ارایه و اظهاراتی که پس از ملاحظه‌ی گزارش کشورهای عضو انجام شد و مراجع تنظیم کننده معاهدات آن را پذیرفتند، نشان دهنده‌ی آگاهی فزاینده‌ی از تاثیر عوامل جنسیتی در برخورداری از حقوق بشر می‌باشد. (42) کمیته‌ی حقوق بشر یک شرح کلی بر ماده‌ی 3 راجع به قصد کشورهای عضو برای حصول اطمینان از بهره‌مندی زنان و مردان از کلیه‌ی حقوق شان که در میثاق مندرج می‌باشند، افزود. این شرح کلی جدید، زمینه‌ی خوبی برای کاربرد تحلیل جنسیت محور از کلیه‌ی احکام این میثاق فراهم می‌کند. دیگر شاخص‌ها شامل توجه فزاینده به وضعیت حقوق بشری زنان در خلال مطالعه‌ی گزارش‌های کشورهای عضو و مبادله‌ی بهتر اطلاعات بین کمیته‌های مختلف و کمیته‌ی رفع تبعیض علیه زنان می‌شد.

### **نتیجه گیری**

حقوق بشری زنان، کانون اصلی توجه کمیسیون زنان از بدو تاسیس آن بوده است. کمیسیون همراه با کمیته‌ی رفع تبعیض علیه زنان، درک وسیعی از هنجارهای عدم تبعیض به دست داده است. به طور کلی مبارزه علیه تبعیض دارای دو جنبه می‌باشد که هر دو جنبه در «طرح اقدام» کنجانه نشده است جنبه‌ی نخست این است که جنسیت دلیلی بر عدم برخورداری زنان از حقوق بشری شان نمی‌شود، و جنبه‌ی دوم این که باید تلاش‌های خاصی برای تغییر ساختار و فرایندهایی که نابرابری زنان را در کلیه‌ی ابعاد زندگی تثبیت می‌کند، صورت بگیرد. از هنگام برگزاری چهارمین کنفرانس جهانی زنان، تغییری در رویکرد مفهومی برای تامین برابری حاصل شده است. رویکرد جنسیت محور بر روابط زنان و مردان و نیز تاثیر نقش‌های جنسیتی برای دسترسی به حقوق، فرصت‌ها و منابع در حیات اجتماعی، تاکید می‌ورزد تا بر موقعیت منفرد زنان.

رویکرد جنسیت محور، در برخورداری زنان از حقوق بشری شان اهمیت شایانی دارد. همچنین این رویکرد توجه زیادی به عوامل مبتنی بر جنسیت در درک حقوق و بهره‌مندی مساوی و کامل زنان از این حقوق نشان می‌دهد.





**\*The Human Rights of Women**

**International Instruments and African Experiences**

**Edited by Wolfgang Benedek, Esther M. Kisaakye and Gerd**

**Oberleitner**

**ISBN: 1 84277 045 4**

**Publication date: 15/08/2006**

**Features: Bibliography Index**

**Format: Metric Demy**

**1)About the Book**

**This book examines the African experience in trying to implement the international instruments dealing with the human rights of women. It covers human rights and gender issues, standards of equality, the work of the United Nations and other specialised agencies, and the European human rights system in comparison with other regional instruments. It focuses on the legal and administrative systems in African countries through which standards are implemented nationally and monitored internationally. It discusses female genital mutilation, human rights of women in armed conflict, refugee women as well as women and Islam. The book is aimed at human rights workers, teachers, lawyers, civil servants, community leaders, students and academics, and seeks to support women's empowerment.**

**About the Author**

**Edited by Wolfgang Benedek, Esther M. Kisaakye and Gerd**

**Oberleitner**

**Contents**

**Contents**

**Part 1: Human Rights of Women - International Instruments**

**\*\*1. International Human Rights Law - The Relevance of Gender -**



**Christine Ainetter-Brautigam**

**2. Human Rights of Women at the Fiftieth Anniversary of the United Nations - Dorota Gierycz**

**3. Charter-based Activities regarding Women's Rights in the United Nations and Specialized Agencies - Dorothea Gaudart**

**4. The Prohibition of Gender-specific Discrimination under the International Covenant on Civil and Political Rights - Manfred Nowak**

**5. The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women - Andrew Byrnes**

**6. Women and Humanitarian Law - Françoise Hampson**

**7. The European Human Rights System in Comparison with other Regional Systems - Wolfgang Benedek**

**Part 2: Human Rights of Women - African Experiences**

**8. Introduction to the African System of Protection of Human Rights and the Draft Protocol - Henry Onoria**

**9. Women's Rights under Islam - Khadija Elmadmad**

**10. Women, Culture and Human Rights with Special Reference to the Practices**

**of Female Genital Mutilation, Polygamy and Brideprice in Africa - Esther M. Kisaakye**

**11. Modern-Day Missionaries or Misguided Miscreants? NGOs, the Women's**

**Movement and the Promotion of Human Rights in Africa - Joe Oloka-Onyango**

**12. Women in the Armed Forces in Uganda: Human Rights Issues - Apollo Makubuya**

**13. Women Prisoners and Female Staff in Uganda Prisons - Kurt Neudek**

<http://www.un.org/womenwatch/daw/daw/wru.htm-2>

3- اهم وظايف اين بخش، فراهم نمودن کمک های فنی و مشاوره در اجرای کنوانسیون، از جمله گزارشات، و پروتکل اختیاری آن، سازماندهی و ارائه خدمات اساسی و فنی به کمیته رفع تبعیض علیه زنان؛ آماده سازی اسناد پس زمینه برای کمیته؛ تجزیه و تحلیل مفاد کمیته؛ می باشد.

کمیسیون وضعیت زنان اجازه، به این بخش اجازه می دهد که برای در نظر گرفتن ارتباطات محرمانه و غیر محرمانه در مورد وضعیت زنان و فرمولبندی توصیه ها در این راستا؛ و تحقق روش ارتباطات اقدام نماید.

از منظر جنسیتی در کار، بامکانیزم های دیگر حقوق بشر، از جمله مفاد معاهده و خارج از مکانیسم های متعارف، از جمله روش های خاصی از کمیسیون حقوق بشر؛ به دنبال اطمینان از مسیر اصلی استفاده می نماید.

از طریق فعالیت های کمک رسانی به طور منظم برای ایجاد آگاهی از حقوق بشر زنان؛ با این مکانیزم ها، گزارش های تهیه شده را برای نهادهای مدنی در مورد حقوق بشر زنان و خشونت علیه زنان ارسال می نماید.

4- گزارش کنفرانس جهانی برای بررسی و ارزیابی دستاوردهای دهه سازمان ملل برای زنان: برابری، پیشرفت و صلح، نایروبی، ۱۵-۲۶ ژوئیه -۱۹۸۵ یاداشت:

دیدگاه های مطرح در این کتاب، نظریات نویسنده می باشد و لزوماً نشان بیانگر نظریات دبیر کل سازمان ملل متحد نیست.

در سراسر این فصل، سازمان ملل متحد و پیشرفت زنان بین سال های 1996-1945، نشریه ملل متحد شماره 94.1.9 از بهترین منابع به شمار می روند؛ این نشریه 850 صفحه ای، جلد ششم از سری کتاب آبی سازمان ملل متحد، در بردارنده کلیه اسناد حقوقی است که سازمان ملل متحد از سال 1945 به بعد تصویب رسانده است؛ به شمول اعلامیه اخیر پکن و چارچوب عمل آن. همچنین این جلد در بردارنده اسناد گزارش های دبیر کل سازمان ملل متحد، قطعه نامه ها، طرح های اقدامات ملی، گزارشات کشورهای عضو کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان راجع به این کنوانسیون، اسناد و گزارش های مربوط پروتکل اختیاری این کنوانسیون و غیره می باشد. این اسناد در وب سایت سازمان ملل متحد در بار پیشرفت زنان به آدرس زیر موجود می باشد:

<http://www.un.org/womenwatch/law>

سند 6 در کتاب آبی.

سند 84 در کتاب آبی؛ در باره استراتژی های نگاه به آینده کنفرانس نایروبی راجع به پیشرفت زنان.

سند 135 در کتاب آبی.

قطعه نامه 2175 دهم دسامبر 1948 سند 12 کتاب آبی.

قطعه نامه 640 بیستم دسامبر 1952 مجمع عمومی، سند 26 در کتاب آبی.

قطعه نامه 1040 مورخ 29 جنوری 1957 مجمع عمومی، سند 29 در کتاب آبی.

قطعه نامه 1763 مورخ هفتم نوامبر 1962، سند سی و یکم کتاب آبی.

دو میثاق مطابق با قطعه نامه 2200 مورخ 16 دسامبر 1966 مجمع عمومی از سوی این مجمع پذیرفته شد.

قطعه نامه 2263 مورخ 7 نوامبر 1967 مجمع عمومی، سند 36 در کتاب آبی.

قطعه نامه 180، 34 مورخ 18 دسامبر 1979 مجمع عمومی در سند 69 در کتاب آبی.

قطعه نامه 104، 48 مورخ 20 دسامبر 1993 مجمع عمومی، سند 107 در کتاب آبی.

سازمان ملل متحد، گزارش کمیته در باره محو تبعیض علیه زنان در A/47/38 بنگرید به سند دوازدهمین نشست آن به سال 1992

قطعه نامه 1994/45 مورخ 4 مارس 1994 کمیسیون حقوق بشر، سند 110 در کتاب آبی.

قطعه نامه 1997/4 و 2000/45 کمیسیون حقوق بشر.

ماده 17 کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض.

ماده 14.

ماده 22.

مجمع عمومی پروتکل اختیاری را در قطعه نامه 54/4 مورخ 6 اکتبر 2000، پذیرفت. این پروتکل با داشتن ده موافق، در تاریخ 22 دسامبر 2000 به مرحله اجرا در آمد.

سند 41 در کتاب آبی (قطعه‌نامه 1972 که به وسیله آن سال جهانی زن اعلان شد)  
سند 45 در کتاب آبی.

26-بنگرید به سند 70 در کتاب آبی

27-بنگرید به سند 85 در کتاب آبی

28-بنگرید به سند 127 در کتاب آبی

29-پنج کنفرانس منطقه‌ای برای، کشورهای امریکای لاتین و منطقه‌ی کاراییب، در شهر «ماردیل پلاتای» آرژانتین، «سترداکار» سنگال برای منطقه آفریقا، در «جاکارتای» اندونزیا برای آسیا و منطقه‌ی اقیانوس آرام، در «عمان» اردن برای منطقه‌ی غرب آسیا و در «وین» برای منطقه‌ی اروپا برگزار گردیدند.

30-در یک تحقیق جهانی در باره‌ی نقش زنان در توسعه‌ای که به سال 1994 انجام گرفت، رویکرد جنسیت محور در چهارچوب توسعه، مورد بحث قرار گرفته است: چاپ ایالات متحده، ویرایش 1995 فصل 4 صص 1-2

31-برای آگاهی بیشتر از رویکرد جنسیت محور به اثر زیر بنگرید: کاربرد تحلیل مبتنی بر جنسیت محور در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در گزارش سر منشی ملل متحد به پنجاه و دومین نشست مجمع عمومی آمده است.

32-پاراگراف 38 اعلامیه

33-به ترتیب در پاراگراف‌های 57، 79، 105، 141، 164، 189، 202، 229، 238، 252 و 273 طرح اقدام

34-شورای اقتصادی و اجتماعی

در خلال دوره‌ی هماهنگی خودش به سال 1997، تصمیم به درج مسالهی جنسیت در کلیه‌ی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌هایش در نظام سازمان ملل متحد گرفت. این شورا در نتیجه‌گیری سال 1997 به نهادهای بین حکومتی توصیه کرد که در این زمینه عمل کنند. بر اساس نتایج مورد توافق «جریان جنسیت» چنین تعریف شد: «فرایند ارزیابی تطبیق هر گونه عمل از قبل طراحی شده؛ از جمله قوانین، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ها در هر زمینه و در هر سطحی نسبت به مردان و زنان می‌باشد» این امر، استراتژی در نظر گرفته می‌شود که در آن نگرانی‌ها و تجارب مردان و زنان به نحو یکسان در طرح، اجرا، نظارت و ارزیابی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ها در کلیه‌ی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دخالت دارد؛ به نحوی که مردان و زنان از تساوی بهره ببرند و نابرابری از بین برود. هدف نهایی رسیدن به برابری جنسیتی می‌باشد.

35-برای آگاهی بیشتر از «رویکرد جنسیت محور» بنگرید به

World survey on the role of women in development 1994.

معنای دیدگاه جنسیت محور در گزارش منشی عمومی در پایان چهارمین کنفرانس زنان توضیح داده شده است

36-بنگرید به: جریان دیدگاهی جنسیت محور در کارها و معاهدات مربوط به حقوق بشر زنان و ملل متحد، نوشته‌ی کریستین اینیتر براتگام.

37-مطابق با مواد کنوانسیون، کمیته موظف می‌باشد که برای مدت دو هفته در هر سال ملاقات کند تا به ملاحظه‌ی گزارش‌های کشورهای عضو پرداخته و به رایه‌ی سفارشات و پیشنهادات بپردازد. سال‌ها است که مجمع عمومی ملل متحد که به تصویب بودجه‌ی کمیته می‌پردازد، به کمیته فرصت ایجاد کرده است که سه هفته نشست داشته باشد؛ به اضافه‌ی یک هفته جلسه‌ی گروه کاری قبل از تشکیل جلسات اصلی فوق الذکر.

گروه کاری موظف می‌باشد تا به طرح سوالاتی بپردازد که در گزارش کشورهای عضو مطرح می‌شوند. پس از درخواست کمیته از مجمع عمومی، این مجمع به کمیته اجازه داد تا از سال 1997 به بعد سالانه دو مرتبه و هر بار مدت سه هفته جلسه دایر نماید.

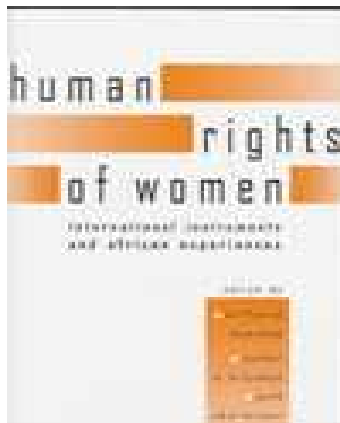
38- بسیاری از معاهدات به شرح سفارشات یا توصیه‌های کلی می‌پردازند. این شرح دیدگاه‌های اصلی کمیته مربوط راجع به ماده یا موضوعی است که در یک معاهده آمده است و مبتنی بر تجارب کمیته‌ای است که در نتیجه‌ای استماع به گزارش‌های کشورهای عضو حاصل گردیده است. توصیه‌ها معنای معاهدات را روشن کرده و راهنمای اصلی دولت‌های عضو در اجرای معاهدات به شمار می‌روند.

39- گزیده‌ای از اعلامیه وین و برنامه‌ی عمل در سند 156 در کتاب آبی مندرج می‌باشد

40- برای آگاهی از این که تا کنون چه پیشرفتی حاصل شده است، بنگرید به گزارشی که اخیراً به کمیسیون حقوق بشر تحویل داده شده است. در حالی که این گزارش تصویر روشنی از توجه به حقوق بشری زنان ارائه می‌دهد، به ارزیابی مفهوم نقش‌های جنسیتی زنان برای میزان برخورداری آنان از حقوق بشری شان نمی‌پردازد. گزارشات منظمی که پس از چهارمین کنفرانس زنان به کمیسیون زنان سپرده شده‌اند. برای آگاهی از میزان پیشرفت حاصله در زمینه‌های جنسیتی مفید می‌باشد.

41-، A/51/482، A/52/507، بنگرید به آخرین گزارشات ملاقات رؤسا با مشخصات A/53/432 و A/53/125

42- بر اساس درخواست هشتمین جلسه افرادی که ریاست معاهدات حقوق بشری را به عهده داشتند، بخش توسعه‌ی زنان، مطالعه‌ای را در زمینه‌ی میزان دخالت دیدگاهی جنسیت محور در کار نهادهایی که تنظیم معاهدات حقوق بشری بین‌المللی را به عهده دارند انجام داد



**The Human Rights of Women**  
**International Instruments and African Experiences**  
**Edited by Wolfgang Benedek, Esther M. Kisaakye and Gerd**  
**Oberleitner**  
**ISBN: 1 84277 045 4**  
**Publication date: 15/08/2006**



**Christine Ainetter Brautigam**

**Hamid Hamidi**